

عوامل کوتاه مدت بودن توسعه جوئی شیعی

12 می، 2015 | GMT 09:15

منبع: ستراتفور

نویسنده: کامران بخاری ([Kamran Bokhari](#)) - تحلیل گر ارشد

برگردان: خلیل



تظاهرات کننده های عراقی تصاویر رهبران مشهور شیعه از یمن و ایران را در ماه مارچ 2015 بلند کرده اند.
(ALI AL-SAAD/AFP/Getty Images)

تحلیل

پیش بینی

- اینکه یک بلاکی از ائتلاف کشور های شیعی در شرق میانه تشکیل شده است، یک انکشاف مهمی جیوپولیتیکی در شرق میانه می باشد؛ اینکه این ائتلاف از سوی ایران رهبری می شود می تواند کوتاه مدت باشد.

- در حقیقت، تشکیل و توسعهء بلاک، طوریکه (*such as they are*) آنها هستند، فقط از طریق تقسیم و تضعیف دولت های سنی عرب ممکن بود.
- عوامل متعدد، قابل ملاحظه ترین آنها جنگ داخلی سوریه و محدودیت های قومی و مذهبی ایران را از پیشبرد تأثیرات شیعی بیشتر از آنچه که تا حال هست، جلوگیری میکند.

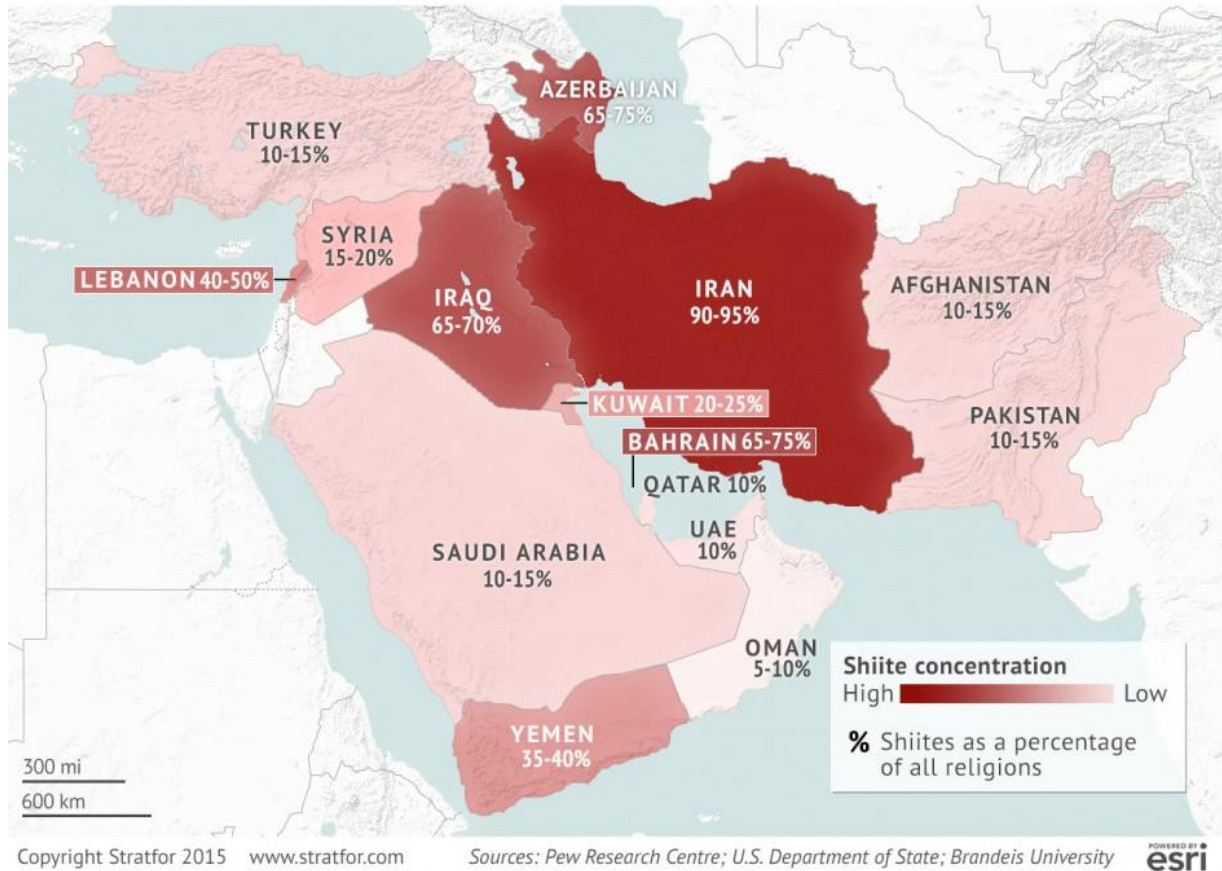
منازعات فرقه ئی در شرق میانه را بطور ساده می شود به دوجبهت تقسیم کرد: سنی و شیعه. یا همانطوریکه به نظر می آید. در واقعیت، نتیجه داده شده اش خیلی مغلق می باشد. وحدت سنی یک افسانه است ([Sunni unity is a myth](#)) - کشورهای تشکیل دهنده اردوگاه سنی روی موضوعات مختلفی تقسیم شده اند. و شیعی ها، که قدرت شان از سالهای 1990 بدینسو زیاد شده، هنوز از محدودیت های غیر قابل اجتنابی رنج می برند که مردمان در اقلیت اند.

یک چالش دموگرافیکی

فی الواقع، یگانه و مهمترین مشخصهء معرف اردوگاه شیعی عبارت از اینست که شیعه فقط درصدی از مردمان مسلمان را تشکیل میدهد. بیشتر از سه- چهارم پیرو اسلام سنی هستند.

مطابق مطالعه 2011 مرکز تحقیقی پیو (Pew)، فقط چهارکشوردارای اکثریت شیعی اند: ایران، آذربایجان، بحرین، و عراق. اما سایر کشورها نیز دارای اقلیت قابل ملاحظه ی سکنهء شیعی امی باشند، به شمول یمن، کویت، عربستان سعودی، افغانستان، پاکستان، ترکیه، امارات متحده عربی، قطر و عمان. شیعه ها همچنان بزرگترین گروپ اقراری در لبنان را تشکیل داده و تخمین تا حدود 20 درصد نفوس 180 میلیونی یا چیزی در همین حدود مسلمان هند را می سازند.

SHIITE POPULATIONS IN THE GREATER MIDDLE EAST

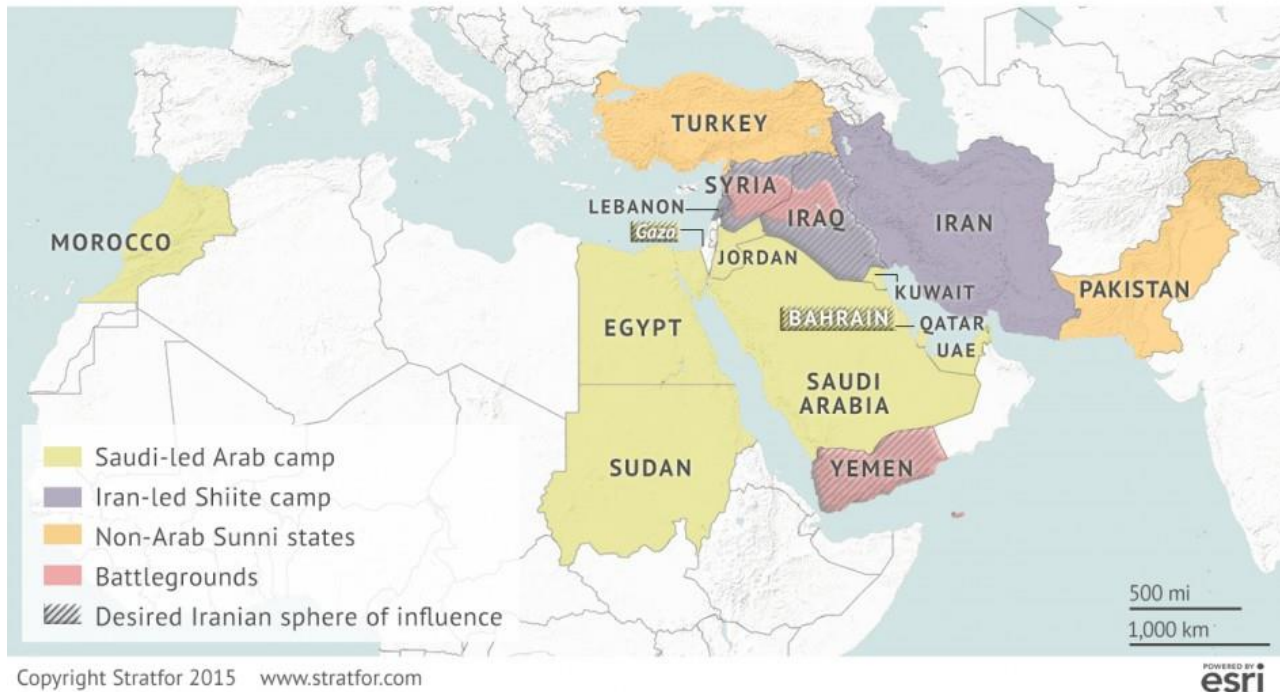


نفوس شیعی در شرق میانه بزرگ

همانند همتایان سنی شان، شیعی ها در داخل خود شان متفاوت اند. دوازده امامی ها بزرگترین گروه اند، اما بسا دیگری وجود دارند، به شمول اسماعیلی ها، که همچنان به نام هفت امامی شناخته می شوند؛ زیدی ها، که همچنین به پنج امامی معروف اند؛ علوی ها؛ و دروزها. همه این فرقه های فرعی از لحاظ جغرافیایی، زبانی، سیاسی، و ایدئولوژیکی متفاوت اند.

از منظر تاریخی، شیعی ها، با مقداری از استثنائات قابل توجه، فقط بطور متناوب در حکومت بوده اند. بطور مثال، فاطمی ها خلافتی را، با مرکزیت قاهره، از اوایل قرن دهم تا اواخر قرن دوازدهم برقرار داشته بودند، که از مراکش تا سواحل غربی شبه جزیره عرب امتداد داشت. از 932-1055، امپراتوری شیعی های دوازده امامی آل بویه بر اکثر قسمتهای آنچه که امروز ایران و عراق است، حکومت میکرد. بعدتر، الخانات مغول های آسیای مرکزی برخشهایی از پاکستان، افغانستان، ایران، عراق، سوریه، و ترکیه حکومت میکرد. خیلی به تازگی، زیدی ها امامتی را در یمن برپا کردند که از 897 تا 1962 دوام آورد (شاید ایران وحوثی ها در خواب و خیال همان- یا شاید در صدد برپائی همان امامت هستند/برگردان کننده). چندین حکومت کوچک با طرز قرون وسطی اسلامی نیز خاندان های شیعی بودند.

THE SECTARIAN BALANCE OF POWER IN THE MIDDLE EAST



بیلبانس قدرت فرقه ئی در شرق میانه

بهر حال، در بیشترین وهله ها کنترول شیعی نادر بوده است. شیعی ها تا به قرن 16- ام در تحت تسلط سنی ها بوده اند، تا وقتی که امپراتوری صفوی اسلام شیعه را منحیث مذهب رسمی اش اعلام کرد. اما تا به این زمان، اکثر قسمت های شرق میانه و جنوب آسیا در تحت کنترول عثمانی ها و یا هم مغول ها قرار داشت، که هر دو امپراتوری سنی بودند.

برپائی جای پای

قدرت شیعی پس از جابجائی در فارس. در 1979، انقلاب ایران یک جمهوری شیعی را رسماً ایجاد کرد. کنون ایران بزرگترین و از لحاظ نظامی قدرت مند ترین کشور شیعی است، و قدرتش آخوند های تهران را قادر ساخته تا از جوامع شیعی حمایت نموده، و بدین ترتیب، به تأثیرات آن در جهان عرب بیافزایند. ایران تلاش نموده تا با استفاده از اقوام آذری خودش اکثریت شیعی های آذربایجانی را به نفع خودش بکارگیرد. هرچند، تا به 1991، آذربایجان بخشی از اتحاد شوروی، و بدین ترتیب، یک ملت سیکولار بود. سیکولریسم آذربایجان به نوبه خود، آن کشور را در برابر پیشنهاد های شیعی برخوردار از جهندگی کرد.

نفوذ ایران در نقاطی چون جنوب آسیا نیز خاموش شد. دولت های قدرتمندی چون هندو پاکستان، قطع نظر از جنگ افغانستان، توسعه به سوی شرق را برای تهران خیلی دشوار ساختند. با بسته بودن سرحدات شمال غربی و تا درجه زیادی شرقی اش، یگانه جهتی که (نفوذ) ایران می توانست توسعه یابد عبارت بود از غرب و به سوی جهان عرب. با وجود دور باطل جنگ که میان ایران- عراق در سالهای 1980 واقع شد، تهران قادر شد تا جای پایش را در عراق مستحکم کند، که احتمالاً ناشی از دشمنی های میان رژیم های بغداد و دمشق بود. براستی (فی الواقع)، سوریه به یکی از متحدین اخیر ایران تبدیل گردید، شاید قسماً در نتیجه این حقیقت که این کشور دارای یک رژیم علوی ای بود که بر نفوس اکثریت سنی حکومت میکرد. حاکمان سوریه همچنان در ایجاد حزب الله به حیث یک نیروی سیاسی و نظامی به ایران کمک کردند.

دو حادثه دیگر برای توسعه و وصله کاری نفوذ منطوقی ایران ممد واقع شدند: در 1989، جنگ ایران- عراق خاتمه یافت، و، تا حدی بطور تصادفی، معضل جنگ داخلی لبنان نیز حل گردید. این امر حزب الله، گروه دست نشانده ایران را، همچون بزرگترین و یگانه نهاد سیاسی لبنان برجای گذاشت. بعد از سالیان کمی، عراق کویت را اشغال کرده، و جنگ اول خلیج را پیش آورد. برای ایران، جنگ بطرز باور نکردنی ای مفید بود، زیرا حکومتی را در بغداد ضعیف ساخت، که قبلاً از شورای همکاری خلیج را در برابر تخطی های ایران حفاظت میکرد.

متعاقباً، اقلیت کردها و شیعی های عراق، که سالها در تحت حمایت تهران بودند، برای استفاده از فرصت ضعف رژیم عراق آغاز کردند. در این حین، ایالات متحده در 2003 صدام حسین را شکست داده، تا این زمان عراق برای غلطیدن در کنترل ایران به پختگی رسیده بود. با این افتیدن، برای ایران شعاع نفوذی ([an arc of influence](#)) ای از تهران تا بحیره مدیترانه بار آورد.

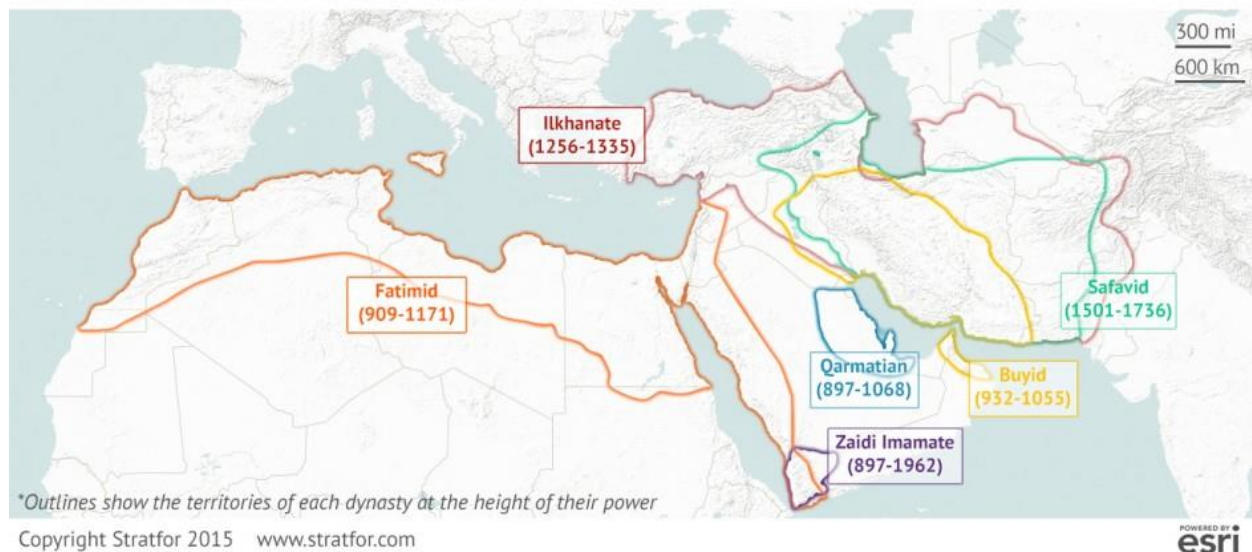
اما توسعه جوئی ایران بزودی، علیرغم متوقف نه شدن اشتیاقش برای سلطه جوئی، متوقف شد. با قبول مصئون بودن جناح غربی اش، تهران در بهار عربی فرصتی یافت تا شبه جزیره عرب- سرزمین اصلی عربستان سعودی، این رقیب منطوقی ایران نفوذ نماید. بخصوص، تهران آرزو داشت تا از خیزش شیعی در بحرین ([Bahrain](#)) بهره برداری کند. با توسعه یافتن آرزوی ایران برای دست یابی به سلطه طلبی در این ملت جزیره ئی، عربستان در همکاری با متحدینش در شورای همکاری خلیج، خیزش را سرکوب کرد.

بزودی بعد از آن، جاه طلبی ایرانی با ضربه دیگر در - سوریه- برخورد کرد، جایی که اعتراضات ناشی از بهار عرب مآلاً منجر به جنگ داخلی تمام عیار گردید. با اینکه حکومت علوی تاهنوز سر جایش قرار دارد، اما سقوط اش برای ایران مصیبت بار خواهد بود: این کار باعث بریده شدن تهران از متحدش حزب الله شده و شیعیان عراقی را در معرض یک رژیم سنی در سوریه قرار خواهد داد. پس، جای کمی تعجب است، که ایران از رژیم رئیس جمهور بشارالاسد با چنان شوق و ذوق حمایت کرده است.

خطوط قرمز بیش از حد

در حال حاضر، چنین می نماید که ایران و شیعی ها در وضعیت بهتری نسبت به عربستان سعودی و سنی ها قرار داشته باشند. حزب الله و سایر ملیشیا ها برای اسد کمک کردند تا در قدرت باقی بماند. جنگ علیه گروههای تند رو مانند جبهة النصرة ([Jabhat al-Nusra](#)) و داعش برای ایران فرصت آرایش مجدد نیروهایش را داده، همانند مذاکرات سلاح های اتمی با ایالات متحده که چنین فرصتی برایش داده است. بر علاوه، سعودی ها با خیزش هوئی ها در یمن پریشان حال شده اند.

HISTORICAL SHIA DYNASTIES



خاندانهای تاریخی شیعه

هرچند، برتری های شیعی دوامدار نخواهند بود. چیز هائی را که شیعیان بدست آورده اند تا درجه زیادی حاصل ضعف و ناسازگاری های سنی ها ست، و بعضی انکشافات اخیر دلالت بر این میکند که سنی ها دارند زمین ها را باز پس میگیرند، حتی اگر صرفاً بطور موقت. شورشیان قلمروهای حساس را در سوریه تصرف کرده اند، ([Rebels have gained critical territory in Syria, particularly in Idlib province](#)) بخصوص ولایت ادلیب، و عربستان سعودی و ترکیه شامل اتحادی ([Saudi Arabia and Turkey entered into an alliance](#)) برای سرنگونی اسد از قدرت شده اند.

مهمتر از همه، بطور خیلی ساده تعداد سنی ها بیشتر از شیعی هاست، و شواهد فراوانی دلالت دارند که سنی ها حاکمیت شیعی را تحمل نه خواهند کرد. در لبنان، حزب الله، با وجود میزان و تاثیر ستیزه گرایی این گروه، قادر به تقوق و سلطه بر حکومت نه شد. در یمن، جنبش زیدی ([the Zaidi movement](#)) شاید همچون نسخه حزب الله ظاهر شود، اما این جنبش نمی تواند اراده اش را، بدون از ساحات هسته ئی زیدی ها، بر دیگر نقاط کشور بقبولاند. در عراق، داعش، با وجود وحشیگری و قساوت هایش، هنوز هم یک گروه نیرومند سنی است، حتی در نقاط تحت تسلط شیعی ها.

در حقیقت، جهادبست ها ایران و متحدین شیعی اش را تهدید می نمایند، اما آنها همچنان نمایانگر یک فرصت اند. جهادبست دولت های سنی را تضعیف نموده و متمایل به چرخش تفکر بین المللی نسبت به ایران است. ایرانیان امید وار اند که عربستان سعودی سرنگون خواهد شد؛ از چشم انداز آنها، نیرو گرفتن جنبش حوثی در یمن می تواند تحرکی را برای خیزش مشابهی در میان اسماعیلی های ولایات جیزان و نیجران سعودی باعث گردد، که هر دوی شان با یمن همسرحد اند. مطابق آرزو، جامعه دوزاده امامی در ولایت شرقی عربستان سعودی ([Saudi Arabia's Eastern Province](#)) می تواند باعث آغاز انکشافاتی شود، که در عربستان سعودی و در امتداد سرحدات بحرین، بتواند یک پاسگاه نفوذی را برای نفوذ ایران ایجاد کند.

حقیقتاً خطوط قرمزهای زیادی برای سنی های منطقه موجود اند. حتی در یک سناریوی غیر احتمالی که عربستان سعودی تا به حدی تضعیف شود که ایران بطور غیر رسمی (de facto) کنترل شبه جزیره عرب را عهده دار شود، جمعیت سنی اجازه نه خواهند داد تا شهرهای مقدس مکه و مدینه در کنترل شیعی باقی بمانند. و بسادگی تعداد کافی شیعی ها وجود ندارند تا در این باره کاری کنند، چون آنان اساساً از سوی سنی ها محصور شده اند.

بر علاوه تأملات مذهبی، تأملات قومی نیز وجود دارند که از گسترش حاکمیت شیعی جلوگیری میکنند. رهبری شیعه کنون بدست فارسی هاست، نه عرب. و با اینکه شیعی های عرب با تهران متحد شده اند، آنها این کار را از روی ناچاری

انجام داده، اما هنگامیکه در کشورهای خودی شان باشند در مخاطره اند. این امر باعث محدودیت حوزه ای می شود که ایران می تواند بالای آنها برای خدمت کردن مقاصدش تکیه میکند.

هرچند شیعی های دنیای عرب تا حد زیادی متحد اند، اما بعضی اختلافات شان را نادیده گرفتن خیلی مشکل است. رقابت هنوز هم میان مراکز روحانی عرب- سلطهء مکتب نجف عراقی و مکتب قم موجود است و تهران برای ازدیاد تأثیرش بر نجف سخت کوشیده است. رهبران ایرانی امید وار بودند که خلای قدرت در عراق آنان را برای گسترش دوکتورین ولایت فقیه ([doctrine of Velayat-e-Faqih](#)) شان قادر خواهد ساخت. اما، با فرو رفتن ایران در ورطهء تغییرات سیاسی خودی ([political transformation](#)) اش، تنش میان دسته های لیبرال و محافظه کار، و بین دسته های دموکراتها و حامیان حکومت خدا، با در نظر گرفتن عروج حسن روحانی رئیس جمهور ایران و بازسازی های شروع کرده ی داخلی اش- بیش از پیش حاد شده است. آن تنش ها می توانند بخوبی توجه ایران را بخود جلب کرده و اشتیاق بین المللی ان کشور را به حاشیه ببرند.

در نتیجه، به هر اندازه ایکه ایران بخواهد از ضعف سنی استفاده نماید، تغییرات در حال وقوع در تهران می تواند جاه طلبی های رهبران را عقیم سازد- کاری که اختلافات داخلی در میان شیعی ها و پیشرفت جنگ داخلی سوریه نیز می تواند کند.

سرتخلیل گر: کامران بخاری ([Kamran Bokhari](#))